

HARC0227: Indian Painting

05-Pre-Mughal paintings and the
Introduction of Early Mughal culture

Green Tara Dispensing Boons to Ecstatic Devotees: Folio from a Manuscript of the *Ashtasahasrika
Prajnaparamita* (Perfection of Wisdom) Pala period, early 12th century

India, West Bengal or Bangladesh

Opaque watercolor on palm leaf

Dimensions: Page: 2 3/4 x 16 7/16 in Image: 2 1/2 x 1 15/16 in.



ॐ
थावनायंरुगवा
थवानायाथाव
भनधाठिरुगव
कायाववराकृत्य
यानसुषनांशु
नपुवठिरुगव
सर्ववशांनधाजा

वर्णोइनठिनिर्व
स्वसहायविष्णु
शंयद्यवायंशु
ववरांधयवयुज
विष्णुविरसुधा
विष्णुविरसुधागन
सेवसुहृत्विष्णु



Establishment of Delhi Sultanate

Dilwara
temple,
Goddess
figure,
11-12yh c.



The Dancing
Courtesan
Kosha and
the King's
Charioteer:
Folio from a
Kalpasutra
Manuscript,
ca. 1475



بسیار دلهای بختنا را که از لبت در دهان من آمدند مهرم هم همان لشکر نامند ز شاه میادش خنجره که بر لبت کشیدم هم لبت تو که خنجره سر من با خنجره زرد لبت اینجا در خنجره	بسیار موکی برام دارم که سایه خنجره بختنا را کشید زده از کتک بند بر زرد	شماره هم ایله دنیا بدین مواضع سایه و زمین از کتک برفت با نیت خنجره که	بسیار لگن دست بدیده که خنجره تازنده بختنا جو بختنا طوس سپهر شاه جو کتک نام برک و مرثا که ز دین و میادش که نیت جو لبت در تمام کتک هر من شراخته خنجره
--	--	---	---

کدشتن سیا و خنجره لب سپهر
دیدن برین دلخیزه سیاه



بزرگانه بود بدیده زدن بار دست جهان میل سپهر در طره زین بر سر خنجره نیاید بر آتش که می سپهر میادش چو بشیر که میادش درد بر لبت کتک کتک	مهر سرکشان با تیره و شاد میر و راه کرد کبیر فرید بر و باخته بر چاق خنجره بیاد است روی خنجره دیوه شد ز ما کتک کتک بوسه لبت نامور شاد	ز خنجره که بر کتک بر آتش بختنا بر تارکد برین خنجره ای خنجره خنجره سپهر کتک خون کتک کتک با لبت ز خنجره سپهر بران سپهر بر کتک کتک سپهر کتک	بزرگانه بود بدیده زدن بار دست جهان میل سپهر در طره زین بر سر خنجره نیاید بر آتش که می سپهر میادش چو بشیر که میادش درد بر لبت کتک کتک
---	--	---	---

Siyavash faces Afrasiyab across the Jihun River: page from a *Shahnama* manuscript
Master of the Jainesque *Shahnama*
Unknown workshop, possibly Malwa,
ca. 1425–50
Opaque watercolor and ink on paper. 12 5/8 x 9 1/4 in.



Folio from a
Shahname (Book
of kings) by
Firdawsi (d.1020);
recto: Iskandar
(Alexander) and
the talking tree;
verso: text
circa 1330-1340

Il-Khanid period

Ink, opaque
watercolor and
gold on paper
H: 40.8 W: 30.1
cm
Tabriz, Iran

پس سلامت که نوبت بدو در نزد
 چه از پسر بود تا زنده بود بخت
 جو پیش طرس مهیو در نشانی
 جو دگر نام بر کرد مرثی که
 در زبان می بود و سخن کرد بخت
 جو لد بر نام در کوی
 هر منزله ساخته جودت

**کلام عشق و خیال در لب سبزه چون
 دیدن برین دلخیزه سیاب**

شماره ام ایله دنیا بدین
 مو اولیسیه و زمین اره
 برشته با زبانت خوشه گناه
 همه مرا هم چنان تا بجای
 چنین تا بیخان تا بجای



جولگان بی لب و چهره روشن
 باره دست به چمن بل بر سیر
 بر مرغ و زلفین نورش
 نیامی بر آتش بگریه
 میراد مرغ و پند کیمیا که
 رود نیر از دگر کشی کردان
 مهر سر کشان با تیغ و شمشیر
 میر و دام کرد کبیر خراب
 بر و باخته بر تاج خراب
 بیار است روی نفس زخم
 بیره شده و با پادشاه
 بر مید لوز نامون ناموران
 ز قوشان که بر سرک بر آتش
 بکن بر نهادند برین سخت
 ایالت ختم بخت بر لب
 حواس بر گرفتار با برین
 درخش سپیدان بران برین
 بر دگفت کای به اولان

بهر صفت ارشاد و لشکر کند
 کی گاه خوشتر از آب زرد
 سنگینه در دنیا یو کاروان
 رکوه خفته خاندن گناه
 که آرزو زرد چون سوز
 شکسته که تر کار با کوف
 شهادت برین شرا اوست
 سکنی که که از روی مهر
 نه مهر گشته نشکر گناه
 چه مهر گشته که گناه
 کنان بجا آتشی گناه
 عشرت گناه و این گناه
 زمانه انان آن مرد
 که از زرد حواس که گناه
 بزرگ خواند گناه
 زلفت که که مهر گناه
 شرفی باند کن را با هزار
 که نام و دور و رخ و بر نه
 جود در دست کوا رخت
 زلفت کوان خاطر با ما



بهر صفت ارشاد و لشکر کند
 کی گاه خوشتر از آب زرد
 سنگینه در دنیا یو کاروان
 رکوه خفته خاندن گناه
 که آرزو زرد چون سوز
 شکسته که تر کار با کوف
 شهادت برین شرا اوست
 سکنی که که از روی مهر
 نه مهر گشته نشکر گناه
 چه مهر گشته که گناه
 کنان بجا آتشی گناه
 عشرت گناه و این گناه
 زمانه انان آن مرد
 که از زرد حواس که گناه
 بزرگ خواند گناه
 زلفت که که مهر گناه
 شرفی باند کن را با هزار
 که نام و دور و رخ و بر نه
 جود در دست کوا رخت
 زلفت کوان خاطر با ما

بهر صفت ارشاد و لشکر کند
 کی گاه خوشتر از آب زرد
 سنگینه در دنیا یو کاروان
 رکوه خفته خاندن گناه
 که آرزو زرد چون سوز
 شکسته که تر کار با کوف
 شهادت برین شرا اوست
 سکنی که که از روی مهر
 نه مهر گشته نشکر گناه
 چه مهر گشته که گناه
 کنان بجا آتشی گناه
 عشرت گناه و این گناه
 زمانه انان آن مرد
 که از زرد حواس که گناه
 بزرگ خواند گناه
 زلفت که که مهر گناه
 شرفی باند کن را با هزار
 که نام و دور و رخ و بر نه
 جود در دست کوا رخت
 زلفت کوان خاطر با ما

بهر صفت ارشاد و لشکر کند
 کی گاه خوشتر از آب زرد
 سنگینه در دنیا یو کاروان
 رکوه خفته خاندن گناه
 که آرزو زرد چون سوز
 شکسته که تر کار با کوف
 شهادت برین شرا اوست
 سکنی که که از روی مهر
 نه مهر گشته نشکر گناه
 چه مهر گشته که گناه
 کنان بجا آتشی گناه
 عشرت گناه و این گناه
 زمانه انان آن مرد
 که از زرد حواس که گناه
 بزرگ خواند گناه
 زلفت که که مهر گناه
 شرفی باند کن را با هزار
 که نام و دور و رخ و بر نه
 جود در دست کوا رخت
 زلفت کوان خاطر با ما

بهر صفت ارشاد و لشکر کند
 کی گاه خوشتر از آب زرد
 سنگینه در دنیا یو کاروان
 رکوه خفته خاندن گناه
 که آرزو زرد چون سوز
 شکسته که تر کار با کوف
 شهادت برین شرا اوست
 سکنی که که از روی مهر
 نه مهر گشته نشکر گناه
 چه مهر گشته که گناه
 کنان بجا آتشی گناه
 عشرت گناه و این گناه
 زمانه انان آن مرد
 که از زرد حواس که گناه
 بزرگ خواند گناه
 زلفت که که مهر گناه
 شرفی باند کن را با هزار
 که نام و دور و رخ و بر نه
 جود در دست کوا رخت
 زلفت کوان خاطر با ما

بهر صفت ارشاد و لشکر کند
 کی گاه خوشتر از آب زرد
 سنگینه در دنیا یو کاروان
 رکوه خفته خاندن گناه
 که آرزو زرد چون سوز
 شکسته که تر کار با کوف
 شهادت برین شرا اوست
 سکنی که که از روی مهر
 نه مهر گشته نشکر گناه
 چه مهر گشته که گناه
 کنان بجا آتشی گناه
 عشرت گناه و این گناه
 زمانه انان آن مرد
 که از زرد حواس که گناه
 بزرگ خواند گناه
 زلفت که که مهر گناه
 شرفی باند کن را با هزار
 که نام و دور و رخ و بر نه
 جود در دست کوا رخت
 زلفت کوان خاطر با ما

بهر صفت ارشاد و لشکر کند
 کی گاه خوشتر از آب زرد
 سنگینه در دنیا یو کاروان
 رکوه خفته خاندن گناه
 که آرزو زرد چون سوز
 شکسته که تر کار با کوف
 شهادت برین شرا اوست
 سکنی که که از روی مهر
 نه مهر گشته نشکر گناه
 چه مهر گشته که گناه
 کنان بجا آتشی گناه
 عشرت گناه و این گناه
 زمانه انان آن مرد
 که از زرد حواس که گناه
 بزرگ خواند گناه
 زلفت که که مهر گناه
 شرفی باند کن را با هزار
 که نام و دور و رخ و بر نه
 جود در دست کوا رخت
 زلفت کوان خاطر با ما

بهر صفت ارشاد و لشکر کند
 کی گاه خوشتر از آب زرد
 سنگینه در دنیا یو کاروان
 رکوه خفته خاندن گناه
 که آرزو زرد چون سوز
 شکسته که تر کار با کوف
 شهادت برین شرا اوست
 سکنی که که از روی مهر
 نه مهر گشته نشکر گناه
 چه مهر گشته که گناه
 کنان بجا آتشی گناه
 عشرت گناه و این گناه
 زمانه انان آن مرد
 که از زرد حواس که گناه
 بزرگ خواند گناه
 زلفت که که مهر گناه
 شرفی باند کن را با هزار
 که نام و دور و رخ و بر نه
 جود در دست کوا رخت
 زلفت کوان خاطر با ما

بهر صفت ارشاد و لشکر کند
 کی گاه خوشتر از آب زرد
 سنگینه در دنیا یو کاروان
 رکوه خفته خاندن گناه
 که آرزو زرد چون سوز
 شکسته که تر کار با کوف
 شهادت برین شرا اوست
 سکنی که که از روی مهر
 نه مهر گشته نشکر گناه
 چه مهر گشته که گناه
 کنان بجا آتشی گناه
 عشرت گناه و این گناه
 زمانه انان آن مرد
 که از زرد حواس که گناه
 بزرگ خواند گناه
 زلفت که که مهر گناه
 شرفی باند کن را با هزار
 که نام و دور و رخ و بر نه
 جود در دست کوا رخت
 زلفت کوان خاطر با ما

بهرمنزجی ساخته خودی خردشما مهر لاله کسردی
جنین تا بیلغار تا سی براند
زود لدا انجا و جنیدیک





Rustam slays the
White Demon,
from the *Shah
Nama* of Firdausi,
ca. last half 15th
c.,
north or central
India,
Opaque
watercolor and
gold on paper ,
7-1/2 x 8-1/2
inches

The *Ni'matnama-i Nasir al-Din Shah*. A manuscript on Indian cookery and the preparation of sweetmeats, spices etc., 1495-1505 for Sultan Ghiyath al-din Khalji (r.1469-1501) of Mandu, Malwa, India

۸۸
 عسل و زعفران

آب لیمو آجور برشته آدرک انوار ساک قرنفل روغن نعنه
 کچھد شیرین مسکه کاو سیاہ دانہ عنبر اشہب
 تڑھندی **دیگر** ریبتہ مرچینی ترش و شیرین
 و تیز و مولہ از خوشبوئی و سح و شاخ از مرچہ خواصند
 راست کنند و مات و را پی بیدار زد ریبتہ شود
 و اگر بخور خوشبوئی دهد پس **چینی** دیگر شود
 شکوفہ سیستان شکوفہ تڑھندی شکوفہ سنہجند
 سرسون شتریکہ سوندہی روغن قرنفل ہنک
 شاخ نود رخت پیلہ خیار بالنگ نخور تیل خیار بزرک
 آدرک کبابہ چینی ساک چوکہ کندور

و ہنک بکھا زد ہد و بالایی آدرک پیاز فلفل
 بیدار زد اینھا را ہمہ یکجا کردہ پزد تیل ہنک
 بیدار زد نوعی دیگر ساک ککلیجہ و را
 در میان
 دوع و
 آب
 بخوراند
 بعدہ
 بیرون آرد و خوب پینشارد و از ہم بککاید
 و باد دہد بعدہ زیرہ نمک و کچھد دانہ برشته آن کردہ



بیدار زد

Making *naan* bread in tandoori oven





Malwa

Viraha=love in separation

Krishna (*avatar* of Vishnu)

Vraja/Braj

Bhagavata Purana, Book X

bhakti (loving devotion)

Champavati aflame with longing, from a *Chaurapanchashika* ("Fantasies of a Love Thief")
mss. Early Rajput style (prob. Malwa), ca.1550

"Even now I remember her, of a slender build, with her limbs afflicted by the fire of separation, and as one having the eyes like those of a deer, and as the sole resort of love-sports, with her ornaments of many kinds, her beautiful face, and with the movement of a swan."

